

مربوط بودن داده‌های حسابداری و عوامل مؤثر بر آن

محمدحسین ستایش^{۱*}، غلامرضا رضایی^۲، علی اصغر کبریایی^۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی مربوط بودن داده‌های حسابداری و عوامل مؤثر بر آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفته است. از تحلیل‌های آماری رگرسیون خطی تک‌متغیره، آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی توکی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده آن است که سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم اطلاعات مربوط در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران است. اما، بین ارزش دفتری خالص دارایی‌ها و قیمت سهام شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که برخی از ویژگی‌های شرکت‌ها مانند اندازه، سودآوری، اهرم و نوع صنعت عامل مؤثری در تعیین مربوط بودن اطلاعات مالی است. اما، متغیر نقدینگی شرکت‌ها بر میزان مربوط بودن آن‌ها تأثیری ندارد.

واژه‌های کلیدی: مربوط بودن اطلاعات، سود تقسیمی هر سهم، سود هر سهم، ارزش دفتری خالص دارایی‌ها.

۱. دانشیار حسابداری دانشگاه شیراز

۲. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه شیراز

۳. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۳/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۱۲

* نویسنده مسئول: محمدحسین ستایش

setayesh@shirazu.ac.ir

مقدمه

حسابداری فراهم‌کننده خدمات بسیاری برای طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان است. به عنوان نمونه، سرمایه‌گذاران از اطلاعات حسابداری مالی برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و سازمان‌های دولتی برای مقاصد هم‌چون هدف‌های مالیاتی و نظارتی از این اطلاعات استفاده می‌کنند (آددجی و کاجلا، ۱۹۹۸). به‌گفته میر (۲۰۰۷) حسابداری نقش بااهمیتی در مفهوم ایجاد و برقراری ارتباطات بین شرکت‌ها ایفا می‌کند. هنوز هم صورت‌های مالی به‌عنوان مهم‌ترین منبع اطلاعاتی شرکت‌ها شناخته شده است؛ با این وجود، در پی رسوایی‌های حسابداری^۱ و بحران‌های اقتصادی اخیر در سطح دنیا، یکپارچگی و اهمیت داده‌های حسابداری مورد تردید جدی قرار گرفته است.

ارزش مربوط بودن را به‌عنوان توانایی اعداد و ارقام حسابداری مندرج در صورت‌های مالی برای توضیح اقدامات بازار سرمایه تعریف می‌کنند (بیسلند، ۲۰۰۹)؛ به عبارت دیگر، آیا سرمایه‌گذاران و سایر فعالان بازار از اطلاعات حسابداری برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند یا خیر. داده‌های حسابداری، مانند سود هر سهم، زمانی مربوط نامیده می‌شوند که آن‌ها توانایی اثرگذاری بر قیمت سهام، بازده یا بازده غیرعادی را داشته باشند (گجرد و همکاران، ۲۰۰۷). بسیاری از مطالعات پیشین (به عنوان نمونه، کالینز و همکاران، ۱۹۹۷؛ لو زاروین، ۱۹۹۹؛ فرانسیس و اسپچپر، ۱۹۹۹؛ بیسلند و همکاران، ۲۰۱۰؛ و تیتیلیو، ۲۰۱۱) به بررسی ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری (معمولاً در کشورهای توسعه‌یافته) پرداخته‌اند. در همین راستا، نگاه (۲۰۰۸) نیز بیان می‌کند که مطالعات انجام شده در خصوص مربوط بودن داده‌های حسابداری در بازارهای در حال ظهور محدود هستند؛ هم‌چنین، وی ادعا می‌کند که ادبیات اندک موجود در این زمینه، معمولاً کارهای صورت گرفته تکرار پژوهش‌های انجام شده در کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. با این حال، آشکار است که این پژوهش‌ها عاری از مشکل نبوده و با چالش‌هایی روبرو هستند که نیازمند بررسی بیش‌تر می‌باشند (هالتهاوسن و واتز، ۲۰۰۱). به عنوان نمونه، بسیاری از مطالعات انجام شده در آمریکا و انگلیس تنها بر ارزش دفتری و سود برای توضیح رفتار قیمت سهام تمرکز کرده‌اند.

تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موظف به ارائه صورت‌های مالی سه ماهه، شش ماهه و سالانه هستند. این موضوع را می‌توان گواهی بر اهمیت داده‌های حسابداری دانست؛ اما با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده در ایران، در یکی دو دهه اخیر

۱. در خصوص ارائه نمونه‌ای از رسوایی‌های اخیر حسابداری می‌توان به فروپاشی شرکت‌های بزرگی چون انرون، ورلدکام و پارمالات بر اثر تقلب‌های موجود در گزارشگری مالی اشاره کرد.

مبنی بر تأیید نکردن کارایی بورس اوراق بهادار تهران در شکل ضعیف، نقش داده‌های حسابداری مورد سؤال و تردید قرار گرفته است. در همین راستا، پژوهش حاضر می‌تواند شواهدی را در خصوص نقش و اهمیت داده‌های حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران برای استفاده‌کنندگان فراهم کند. همچنین، آن‌چه که پژوهش حاضر را از سایر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه متمایز می‌کند، آن است که افزون بر بررسی مربوط بودن داده‌های حسابداری، عوامل مؤثر بر آن را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

مبانی نظری پژوهش

بیش از چهار دهه پیش، تمرکز پژوهش‌های حسابداری بر روی مربوط بودن اطلاعات حسابداری بود. به‌گفته نیلسون (۲۰۰۳) ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری با سودمندی صورت‌های مالی در ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سهام سروکار دارد. به اعتقاد بیور (۲۰۰۲) مربوط بودن اطلاعات عبارت است از بررسی رابطه بین قیمت‌های اوراق بهادار و مجموعه‌ای از متغیرهای حسابداری. در همین راستا، اسکات (۲۰۰۳) ادعا می‌کند که اطلاعات حسابداری دارای ارزش مربوط بودن است، اگر باعث تغییر باورها و اقدامات سرمایه‌گذاران شود.

در دهه ۱۹۶۰ میلادی، تأکید پژوهش‌های بازار سرمایه در حسابداری (که مربوط بودن اطلاعات حسابداری شاخه‌ای از آن است)، بر سودمندی حسابداری برای استفاده‌کنندگان فردی بود.^۱ پژوهش‌های این دوره هم‌زمان با مطرح شدن تئوری دیدگاه اطلاعات^۲ بود. در همین راستا شواهد مطرح شده در پژوهش بال و برون (۱۹۶۸) حاکی از آن است که قیمت‌ها در بازار اوراق بهادار نسبت به اطلاعات حسابداری واکنش نشان می‌دهند. با این حال، در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، تأکید پژوهش‌ها از دیدگاه اطلاعاتی به دیدگاه‌های سنجش^۳ منتقل شد^۴ (برنارد، ۱۹۹۵؛ فلتهاام و اهلسون، ۱۹۹۵؛ بائو و چو، ۱۹۹۹؛ و بیسلند، ۲۰۰۹). تئوری مازاد تمیز^۵ اهلسون نیز که اشاره به مدل ارزش‌گذاری سود باقیمانده^۶ می‌کند، چارچوبی سازگار با دیدگاه سنجش است که

۱. بال و برون (۱۹۶۸) از پیشگامان این دیدگاه بودند.

2. Information Perspective

3. Measurement Perspective

۴. دیدگاه اطلاعاتی، سودمندی حسابداری را برای استفاده‌کنندگان فردی بدون تأکید بر ساختار دقیقی از رابطه بین اطلاعات حسابداری و ارزش شرکت، اندازه‌گیری می‌کند (برنارد، ۱۹۹۵). اما، دیدگاه سنجش، سودمندی حسابداری را نسبت به مجموع کل بازار سهام اندازه‌گیری می‌کند.

5. The Ohlson clean surplus theory

6. Residual Income Valuation Model (RIVM)

به عنوان رویکرد ترازنامه‌ای شناخته شد است (اهلسون، ۱۹۹۵). این تئوری نشان می‌دهد که ارزش بازار شرکت را می‌توان با اجزی سود و زیان و ترازنامه بیان کرد (اسکات، ۲۰۰۳). در چند سال اخیر، پژوهش‌های بازار سرمایه در حسابداری مربوط بودن اطلاعات حسابداری را شدیداً مورد انتقاد قرار داده‌اند (تیتیلایو، ۲۰۱۱). در برخی از پژوهش‌های پیشین (به‌عنوان نمونه، رامش و تاهیاگاراگان، ۱۹۹۵؛ و دوتنه و همکاران، ۲۰۰۱) در کشورهای توسعه‌یافته بیان شده است که اعداد و ارقام حسابداری مربوط بودن خود را از دست داده‌اند. این انتقادات بر مبنای تئوری مراحل چرخه عمر، تکنولوژی بالا، تقلب، محیط کسب و کار به سرعت در حال تغییر و افزایش محافظه‌کاری است (تیتیلایو، ۲۰۱۱). با این وجود، برخی از پژوهش‌های پیشین (به‌عنوان نمونه، بالاپاندران و موهنرام، ۲۰۰۶) نشان داده‌اند که هیچ شواهدی وجود ندارد که بیانگر آن باشد که با افزایش محافظه‌کاری، میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری کاهش پیدا می‌کند.

با وجود دیدگاه‌های ضد و نقیض در خصوص مربوط بودن اطلاعات حسابداری و با توجه به اهمیت و نقش اطلاعات حسابداری دارای ارزش مربوط بودن برای تصمیم‌گیری در بازار اوراق بهادار، برخی از پژوهش‌های پیشین (فریمن، ۱۹۸۷؛ کالینز و همکاران، ۱۹۸۷؛ لانگ و لاندلم، ۱۹۹۶؛ کالینز و همکاران، ۱۹۹۷؛ و احمد، ۲۰۰۳) عوامل مؤثر بر مربوط بودن اطلاعات را مطرح کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، تیتیلایو (۲۰۱۱) مطرح می‌کند که برخی از ویژگی‌های شرکت‌ها، مانند اندازه، یک متغیر بسیار مهم برای توضیح تغییرات در ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری است. معمولاً ویژگی‌های خاص شرکت‌ها در خصوص مربوط بودن اطلاعات که در پژوهش‌های پیشین مطرح شده است عبارتند از اندازه شرکت، سودآوری، نقدینگی، اهرم مالی و نوع صنعت (کارسلو و کاپلان، ۱۹۹۱؛ عبدالله، ۱۹۹۶؛ جاگی و تسوی، ۱۹۹۹؛ اوسه-آنسه، ۲۰۰۰؛ آلالی و فوت، ۲۰۰۸؛ و بیسلند و همکاران، ۲۰۱۰).

پیشینه پژوهش

پیشینه خارجی

بنسون (۱۹۶۷) در اطلاعات حسابداری منتشر شده شرکت‌ها و قیمت سهام آن‌ها کار کرد و ادعا کرد که گزارش حسابداری منتشر شده توسط سرمایه‌گذاران برای ارزیابی انتظارات آن‌ها از شرکت‌ها بکار گرفته شده است. وی همچنین بیان می‌کند که تغییر در انتظارات سرمایه‌گذاران ناشی از اطلاعات حسابداری منتشر شده باید در قیمت سهام شرکت‌ها منعکس شود.

پنک آف و ویرژیل (۱۹۷۰) یک لابراتور مبتکرانه به منظور اندازه‌گیری سودمندی حسابداری و دیگر اطلاعات به تحلیل‌گران امنیت حرفه‌ای که در بازار سهام شرکت می‌کنند معرفی کردند. آنان سودمندی اطلاعات را بدین معنا که تا چه حد اطلاعات باعث تسهیل در تصمیم‌گیری می‌شود بیان نمودند و بر آن اساس ۵ راه برای ارزیابی سودمندی اطلاعات ارائه کردند. همچنین، نتایج پژوهش لایپ (۱۹۸۶) در زمینه مربوط بودن اطلاعات حسابداری نشان داد که اجزای سود دارای محتوای اطلاعاتی است.

ایستون و هریس (۱۹۹۱) بررسی کردند که آیا سطح سود تقسیمی با قیمت سهام در آغاز دوره با رابطه بین سود و بازده مربوط است که مطالعه آن‌ها رابطه بین سطح سود تقسیمی فعلی با قیمت سهام در آغاز دوره و بازده سهام را نشان می‌دهد.

فرانسیس و اسپیر (۱۹۹۹) بررسی کردند که آیا صورت‌های مالی مربوط بودن خود را از دست می‌دهند که یافته‌های آن‌ها بیانگر کاهش مربوط بودن اطلاعات سود و زبانی و افزایش مربوط بودن اطلاعات ترازنامه‌ای و ارزش دفتری می‌باشد.

گراهام و همکاران (۲۰۰۰) مربوط بودن اطلاعات حسابداری در طول یک بحران مالی در تایلد را بررسی کردند که نتایج آن‌ها کاهش مربوط بودن اطلاعات حسابداری در ارزش دفتری و پیرو آن کاهش سود را نشان می‌دهد.

بائو (۲۰۰۴) مربوط بودن درآمد عملیاتی در مقابل غیرعملیاتی در بورس اوراق بهادار تایوان بررسی کرد و چنین بیان می‌کند که ارزیابی مدل‌های مبتنی بر اجزای سود قدرت توضیحی بالاتری نسبت به آنهایی که تنها مبتنی بر سود هستند را دارا می‌باشد.

کالائو و همکاران (۲۰۰۶) به تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مربوط بودن سودهای گزارش شده و اجزای آن پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که عدد سود خالص برای تصمیم‌گیری اطلاعات مربوطی است.

العی و فوت (۲۰۰۸) به بررسی ارتباط بین سود حسابداری و بازده سهام عادی در بازار اوراق بهادار ابوظبی پرداختند و یافتند که اطلاعات حسابداری در برخی صنایع و در سال‌های خاص مربوط می‌باشد.

تیتیلیو (۲۰۱۱) در پژوهش خود به بررسی مربوط بودن اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار نیجریه پرداخت. نتایج پژوهش وی حاکی از وجود رابطه معنادار بین اطلاعات حسابداری و قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نیجریه است.

کارگین (۲۰۱۳) به بررسی مربوط بودن اطلاعات حسابداری در دوره‌های مالی قبل و بعد استفاده استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ترکیه

پرداخت و چنین اظهار می‌کند که مربوط بودن اطلاعات حسابداری در دوره پس از استفاده از استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی بهبود یافته است در حالی که با توجه به ارزش دفتری بهبودی در مربوط بودن سود مشاهده نشده است.

پیشینه داخلی

بهرامفر و رسولی (۱۳۷۷) به بررسی رابطه موجود بین ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مدیریت و نقش آن در تصمیم‌گیری مدیریت پرداختند که نتایج آن‌ها بیانگر اینست که اگر اطلاعات حسابداری دارای کیفیت لازم باشند مدیریت در تصمیم‌گیری‌های خود از آن‌ها استفاده می‌کند.

کردستانی و رودنشین (۱۳۸۵) میزان مربوط بودن اجزای نقدی و تعهدی سود حسابداری به ارزش بازار شرکت را مورد بررسی قرار دادند که یافته‌های آن‌ها بیانگر اینست که اجزای نقدی سود حسابداری توان پیش‌بینی و قدرت توضیحی ارزش بازار شرکت را دارند ولی اجزای تعهدی سود حسابداری توان پیش‌بینی و قدرت توضیحی ارزش بازار شرکت را ندارند از اینرو اجزای نقدی سود حسابداری به ارزش شرکت مربوط است و نسبت به اجزای تعهدی از سودمندی بیش‌تری برخوردار است.

خدمای پور و ترک‌زاده‌ماهانی (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر مالیات بر محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات در حسابداری پرداختند که نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که مالیات نه تنها مربوط بودن اطلاعات حسابداری را که شرکت‌ها ارائه می‌کنند کاهش نمی‌دهد بلکه باعث افزایش مربوط بودن اطلاعات نیز می‌گردد.

خدمای پور و محرومی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر افشای داوطلبانه بر مربوط بودن سود هر سهم در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند که نتایج آن‌ها بیانگر این بود که افشای داوطلبانه اثر معناداری بر مربوط بودن سود هر سهم ندارد.

کردستانی و ایرانشاهی (۱۳۹۱) تأثیر محافظه‌کاری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام را مورد بررسی قرار دادند و یافتند که درجه محافظه‌کاری شرکت‌ها تأثیری بر محتوای اطلاعاتی ارقام حسابداری آن‌ها ندارد و شرکت‌های با درجه محافظه‌کاری متوسط و بالا اطلاعات حسابداری نسبتاً مربوط‌تری به ارزش سهام ارائه می‌کنند.

مهرانی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی با مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند که نتایج آن‌ها بیانگر اینست که افزایش مالکیت نهادی مربوط بودن ارزش اطلاعات صورت سود و زیان را

افزایش می‌دهد اما مربوط بودن ارزش اطلاعات ترازنامه‌ای را کاهش می‌دهد. از طرفی با افزایش تمرکز مالکیت نهادی مربوط بودن ارزش اطلاعات صورت سود و زیان کاهش و مربوط بودن ارزش اطلاعات ترازنامه‌ای افزایش می‌یابد.

بحری‌ثالث و همکاران (۱۳۹۲) رابطه بین ویژگی‌های هیات مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها چنین اظهار می‌کنند که ویژگی‌های هیأت مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر ندارد و ویژگی‌های هیات مدیره از عوامل اصلی مؤثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری نیست.

متغیرهای پژوهش

در خصوص آزمون فرضیه اول پژوهش، متغیرهای سود هر سهم، ارزش دفتری هر سهم و سود تقسیمی هر سهم متغیرهای مستقل و قیمت هر سهم در پایان سال متغیر وابسته پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. همچنین، در خصوص آزمون فرضیه‌های دوم تا پنجم پژوهش متغیرهای اندازه شرکت، سودآوری، نقدینگی، اهرم مالی و نوع صنعت به‌عنوان متغیرهای مستقل و مربوط بودن اطلاعات متغیر وابسته پژوهش را تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است که نحوه اندازه‌گیری عملیاتی هر یک از متغیرهای ذکر شده به‌صورت زیر است:

اندازه شرکت: در پژوهش حاضر مشابه پژوهش‌های نمازی و خوانسالار (۲۰۱۱) و رضایی (۱۳۹۲) اندازه شرکت به‌وسیله لگاریتم طبیعی میانگین کل دارایی‌ها و کل فروش محاسبه شده است.

سودآوری: در این پژوهش مشابه نمازی و رضایی (۱۳۹۳) از بازده کل دارایی‌ها به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری سطح سودآوری شرکت‌ها استفاده شده است. بازده کل دارایی‌ها از طریق سود عملیاتی قبل از استهلاک تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها محاسبه گردیده است.

نقدینگی: نسبت جاری، معمول‌ترین معیار مورد استفاده برای توانایی پرداخت بدهی‌های کوتاه‌مدت است. بنابراین، در این پژوهش مشابه پژوهش حجازی و خادمی (۱۳۹۲) از نسبت جاری برای محاسبه نقدینگی استفاده شده است.

اهرم: در این پژوهش مشابه پژوهش ستایش و همکاران (۱۳۹۳) اهرم از طریق نسبت کل بدهی به حقوق صاحبان سهام اندازه‌گیری شده است.

مربوط بودن اطلاعات: در خصوص اندازه‌گیری میزان مربوط بودن اطلاعات در این پژوهش، همانند پژوهش‌های اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸)، رستمیان و همکاران (۱۳۹۰) و رضایی (۱۳۹۲)،

آن دسته از ویژگی‌های کیفی، که بیش‌ترین فراوانی را در استانداردها و بیانیه‌های منتشره در خصوص کیفیت اطلاعات مالی و اجزای آن دارند در مدل لحاظ شده‌اند. در این مدل، مربوط بودن اطلاعات از دو زیرمجموعه ارزش پیش‌بینی‌کنندگی و ارزش بازخورد تشکیل شده است. نحوه کمی کردن هر یک از دو زیرمجموعه مربوط بودن اطلاعات به شرح زیر است:

ارزش پیش‌بینی‌کنندگی - پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که قدرت پیش‌بینی سود بر دامنه قیمت‌های پیشنهادی برای خرید و فروش سهام اثر می‌گذارد (آفلک‌گراوز و همکاران، ۲۰۰۲؛ ایمهوف، ۲۰۰۳؛ و پینکاس، ۱۹۸۳). از این‌رو در این پژوهش مشابه پژوهش رستمی و همکاران (۱۳۹۰) برای اندازه‌گیری ارزش پیش‌بینی‌کنندگی، میزان توانایی اجزای سود جهت پیش‌بینی سود آینده مدنظر قرار می‌گیرد. برای این کار قدر مطلق اشتباهات پیش‌بینی مدل زیر به عنوان معیاری معکوس جهت اندازه‌گیری قدرت پیش‌بینی سودهای جاری استفاده می‌شود:

$$IBE_{t+1} = \partial_0 + \partial_1 CFO_t + \partial_2 TA_t + e_t \quad \text{مدل (۱)}$$

لازم به ذکر است که در مدل بالا برای همسان‌سازی متغیرها و حذف اثر اندازه شرکت‌ها در نتایج پژوهش، تمامی متغیرها بر حسب میانگین دارایی‌های شرکت استاندارد شده است. در مدل شماره ۱ IBE نشان‌دهنده سود خالص بعد از کسر مالیات، CFO نشان‌دهنده جریان‌های نقدی خالص ناشی از فعالیت‌های عملیاتی^۱ و TA نشان‌دهنده کل ارقام تعهدی است. ارزش بازخورد (تأییدکنندگی) - در پژوهش حاضر در خصوص اندازه‌گیری ارزش بازخورد اطلاعات از مدل کرمندی^۲ و لیپ^۳ (۱۹۸۷) استفاده شده است. مدل ارائه شده به وسیله کرمندی و لیپ (۱۹۸۷) به شرح زیر می‌باشد:

$$IBE_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 IBE_{i,t-1} + \omega_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

در خصوص به دست آوردن ارزش بازخورد اطلاعات، نیاز به طی سه مرحله می‌باشد. مرحله اول عبارت است از اشتباه پیش‌بینی سود سال‌های بعد، با در نظر گرفتن سود سال جاری. بنابراین، در این مرحله مقدار باقیمانده مدل رگرسیونی پایین محاسبه می‌شود.

$$IBE_{i,t+1} = y_0 + y_1 IBE_{i,t} + v_{i,t+1} \quad \text{مدل (۳)}$$

۱. لازم به ذکر است که با توجه به متفاوت بودن نحوه محاسبه جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی طبق استانداردهای آمریکا با استانداردهای ایران، در این پژوهش مشابه پژوهش خواجوی و رضایی (۱۳۹۱) تعدیل لازم انجام شده است.

2. Kormendi

3. Lipe

مرحله دوم عبارت است از اشتباه پیش‌بینی سود سال‌های بعد، بدون در نظر گرفتن سود سال جاری. بنابراین، در این مرحله مقدار باقیمانده مدل رگرسیونی پایین محاسبه می‌شود.

$$IBE_{i,t+1} = y_0 + y_1 IBE_{i,t-1} + \eta_{i,t+1} \quad \text{مدل (۴)}$$

لازم به ذکر است که در مدل‌های بالا برای همسان‌سازی متغیرها و حذف اثر اندازه شرکت‌ها در نتایج پژوهش، تمامی متغیرها بر حسب میانگین دارایی‌های شرکت استاندارد شده است. نهایتاً، در مرحله سوم برای سنجش میزان ارزش بازخورد اطلاعات مالی از تفاوت بین قدر مطلق اشتباهات در برآورد سود سال بعد، قبل و بعد از لحاظ کردن سود سال جاری به شرح فرمول زیر، استفاده شده است.

$$FV_t = [|PE_B| - |PE_A|] \quad \text{مدل (۵)}$$

در مدل شماره ۵، FV نشان‌دهنده ارزش بازخورد سود، $|PE_B|$ نشان‌دهنده مقدار باقیمانده مدل شماره ۴ و $|PE_A|$ نشان‌دهنده مقدار باقیمانده مدل شماره ۳ است.

فرضیه‌های پژوهش

در راستای دستیابی به هدف‌های پژوهش در این مقاله، با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌هایی به شرح زیر طراحی و تدوین شده است:

۱. قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، به‌گونه مؤثری از اطلاعات حسابداری (سود هر سهم، سود تقسیمی هر سهم و ارزش دفتری هر سهم) تأثیر می‌پذیرند.
۲. بین اندازه شرکت‌ها و مربوط بودن اطلاعات حسابداری منتشره به‌وسیله آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین سودآوری و مربوط بودن اطلاعات حسابداری منتشره به‌وسیله شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین نقدینگی شرکت‌ها و مربوط بودن اطلاعات حسابداری منتشره به‌وسیله آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین اهرم و مربوط بودن اطلاعات حسابداری منتشره به‌وسیله شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

۶. بین نوع صنعت و مربوط بودن اطلاعات حسابداری منتشره به‌وسیله شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کند و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین شده انجام می‌شود. از این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌شود (نمازی، ۱۳۸۲). به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در خصوص جمع‌آوری اطلاعات مربوط به بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش از کتب، مجلات فارسی و انگلیسی استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها نیز از طریق نرم‌افزار تدبیر پرداز ۲ و سایت رسمی سازمان بورس اوراق بهادار گردآوری شده‌اند. در نهایت، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Excel نسخه ۲۰۰۷ آماده و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ تجزیه و تحلیل انجام شده است.

دوره مورد آزمون، جامعه و نمونه آماری

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از نمونه‌گیری آماری استفاده نمی‌شود؛ اما شرایط زیر برای انتخاب نمونه قرار داده شده و نمونه به روش حذفی انتخاب شد:

۱. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
۲. تغییر سال مالی در شرکت، در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ رخ نداده باشد.
۳. اطلاعات مالی مورد نیاز به‌منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.
۴. تا پایان سال مالی ۱۳۸۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
۵. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبری شرکتی در آن‌ها متفاوت است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعداد ۹۷ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۱ حائز شرایط بالا بوده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

روش آزمون فرضیه‌های پژوهش

این بخش به بررسی روش‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش می‌پردازد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون حداقل مربعات عادی استفاده شد. در این راستا، برای بررسی مربوط بودن اطلاعات حسابداری و آزمون فرضیه اول پژوهش مشابه پژوهش تیتیلیو (۲۰۱۱) از مدل‌های رگرسیونی پایین استفاده شده است:

$$LDSP_{it} = \beta_0 + \beta_1 VRE_{it} + \beta_2 VRBV_{it} + e_{it} \quad (۶)$$

که در آن LDSP، VRE و VRBV، به ترتیب، نشان‌دهنده قیمت هر سهم، سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم.

$$LDSP_{it} = \beta_0 + \beta_1 VRD_{it} + \beta_2 VRBV_{it} + e_{it} \quad (۷)$$

که در آن VRD عبارت است از سود تقسیمی هر سهم.

$$LDSP_{it} = \beta_0 + \beta_1 VRE_{it} + \beta_2 VRBV_{it} + D_{it} + e_{it} \quad (۸)$$

$$LDSP_{it} = \beta_0 + \beta_1 VRD_{it} + \beta_2 VRBV_{it} + D_{it} + e_{it} \quad (۹)$$

که در دو مدل بالا D عبارت است از یک متغیر مصنوعی برای نشان دادن این که آیا شرکت سودده (D = 0) است یا زیان‌ده (D = 1).

در صورتی که اطلاعات مربوط به سود دارای بار اطلاعاتی بیش‌تری باشد انتظار می‌رود که ضریب β_1 در مدل‌های ۶ و ۸ بزرگ‌تر از ضریب β_2 باشد؛ اما، اگر اطلاعات مربوط به ارزش دفتری دارای بار اطلاعاتی بیش‌تری باشد انتظار می‌رود که ضریب β_1 در مدل‌های ۶ و ۸ کوچک‌تر از ضریب β_2 باشد. همچنین، در صورتی که اطلاعات مربوط به سود تقسیمی دارای بار اطلاعاتی بیش‌تری باشد انتظار می‌رود که ضریب β_1 در مدل‌های ۷ و ۹ بزرگ‌تر از ضریب β_2 باشد؛ اما، اگر اطلاعات مربوط به ارزش دفتری دارای بار اطلاعاتی بیش‌تری باشد انتظار می‌رود که ضریب β_1 در مدل‌های ۷ و ۹ کوچک‌تر از ضریب β_2 باشد.

در خصوص آزمون عوامل مؤثر بر مربوط بودن اطلاعات نیز از رگرسیون خطی تک‌متغیره (فرضیه‌های دوم تا پنجم)، آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی توکی (فرضی ششم) استفاده شده است. لازم به ذکر است که برای آزمون فرضیه‌های دوم تا ششم از متغیر اندازه‌گیری شده مربوط بودن اطلاعات حسابداری که در بخش متغیرهای پژوهش تشریح شد، استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

این بخش به آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. در جدول ۱ نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش آمده است. طبق اطلاعات این جدول متغیر قیمت هر سهم دارای بالاترین میزان پراکندگی در بین متغیرهای پژوهش است. میزان میانگین متغیر اهرم نشان‌دهنده آن است که در حدود بیش از نیمی از دارایی‌های شرکت‌ها، از محل بدهی تأمین شده است. میزان آماره‌های مربوط به سود تقسیمی هر سهم نشان‌دهنده آن است که در برخی از سال‌ها، شرکت‌ها هیچ‌گونه سود تقسیم نکرده‌اند. افزون‌بر این، آماره‌های مرتبط با متغیر سودآوری نشان‌دهنده آن است که شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران به‌طور میانگین سالانه در حدود ۱۶ درصد کل دارایی‌های خود سود کسب می‌کنند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
مربوط بودن اطلاعات	-۰/۵۸۳	۵/۹۱۷	۰/۹۶۸	۰/۳۲۶
قیمت هر سهم	۵۹۷/۵۱۸	۶۹۱۸۷/۵۲۵	۷۳۸۷/۳۳۷	۴۱۰۳/۵۲۸
سود هر سهم	-۱۷۴۳/۳۳۹	۸۹۲۷/۵۱۷	۱۴۰۲/۵۴۸	۸۴۵/۴۶۷
ارزش دفتری هر سهم	۸۳۲/۷۴۰	۹۲۸۳/۴۳۹	۲۱۹۳/۲۹۴	۱۶۲۱/۲۰۱
سود تقسیمی هر سهم	۰	۷۹۳۰/۱۰۵	۸۰۹/۰۷۹	۲۱۹/۸۵۴
اندازه	۲/۸۴۹	۲۰/۳۴۹	۱۲/۱۵۴	۶/۳۸۴
سودآوری	-۰/۱۷۹	۰/۸۳۲	۰/۱۵۷	۰/۰۷۲
نقدینگی	۰/۲۱۸	۰/۷۸۱	۰/۵۹۳	۰/۱۴۷
اهرم	۰/۱۷۳	۱/۷۸۳	۰/۶۸۱	۰/۱۰۹

در جدول ۲ خلاصه نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش آورده شده است. با توجه به مقدار آماره‌های F مربوط به هر یک از چهار مدل مورد آزمون، مندرج در جدول ۲، در سطح کلیه شرکت‌ها که به ترتیب برابر با ۹/۲۸۳، ۱۳/۲۵۷، ۸/۶۷۲ و ۱۲/۱۰۸ است، بیانگر معنادار بودن مدل‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. افزون‌بر این، مقدار آماره دوربین و واتسون ارائه شده در جدول ۲ در سطح کلیه شرکت‌ها که به ترتیب برابر با ۱/۹۲۳، ۱/۸۶۹، ۱/۹۳۳ و ۱/۷۳۹ است، وجود خود همبستگی سریالی در اجزای اخلاص رگرسیون را نشان نمی‌دهد.

در جدول ۲ ضرائب مربوط به مدل‌های رگرسیونی حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش و سطح معناداری مربوط نیز ارائه شده است. طبق اطلاعات این جدول سطح معناداری مربوط به متغیرهای سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم نشان‌دهنده آن است که بین سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم با قیمت هر سهم در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج مندرج در جدول ۲ نشان‌دهنده آن است که بین ارزش دفتری هر سهم و قیمت هر سهم رابطه آماری معناداری وجود ندارد. افزون بر این، جدول مذکور نشان‌دهنده آن است که سود تقسیمی هر سهم دارای قدرت اثرگذاری بیشتری بر قیمت هر سهم نسبت به سود هر سهم است. لازم به ذکر است که نتایج مرتبط با آزمون مدل‌های رگرسیونی شماره ۸ و ۹ نشان‌دهنده آن است که بین متغیر مصنوعی سود یا زیان دوره و قیمت سهام رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲: نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

مدل ۹		مدل ۸		مدل ۷		مدل ۶		
آماره t (سطح معناداری)	ضرائب	آماره t (سطح معناداری)	ضرائب	آماره t (سطح معناداری)	ضرائب	آماره t (سطح معناداری)	ضرائب	
۷/۱۰۳ (۰/۰۰۰۵)	۸/۱۲۹	۶/۶۱۸ (۰/۰۰۰۵)	۸/۴۷۵	۸/۹۹۲ (۰/۰۰۰۵)	۹/۷۳۹	۹/۴۷۶ (۰/۰۰۰۵)	۱۰/۹۲۷	ضریب ثابت
-	-	۷/۴۱۱ (۰/۰۰۰۵)	۰/۱۸۸	-	-	۷/۳۱۸ (۰/۰۰۰۵)	۰/۱۸۳	VRE
۱۴/۱۹۵ (۰/۰۰۰۵)	۰/۲۹۹	-	-	۱۳/۲۷۳ (۰/۰۰۰۵)	۰/۲۶۹	-	-	VRD
-۰/۲۹۳ (۰/۴۹۸)	۰/۰۰۰۰۱	-۰/۴۳۴ (۰/۲۹۶)	-۰/۰۰۰۰۶	-۰/۳۸۹ (۰/۳۴۲)	۰/۰۰۰۰۳	-۰/۵۶۷ (۰/۱۱۲)	۰/۰۰۰۰۲	VRBV
-۰/۶۷۱ (۰/۲۱۹)	-۲/۲۸۴	-۰/۸۴۹ (۰/۱۱۷)	-۳/۶۷۴	-	-	-	-	D
۰/۰۰۰۵	۱۲/۱۰۸	۰/۰۰۰۵	۸/۶۷۲	۰/۰۰۰۵	۱۳/۲۵۷	۰/۰۰۰۵	۹/۲۸۳	آماره F و سطح معناداری
-۰/۳۶۹	۰/۳۷۶	-۰/۲۱۱	۰/۲۱۴	-۰/۲۹۸	۰/۳۱۱	-۰/۱۸۷	-۰/۱۹۲	R ² و R ² _{adj}
۱/۷۳۹		۱/۹۳۳		۱/۸۶۹		۱/۹۲۳		آماره دوربین و واتسن

در جدول ۳ نتایج مرتبط با آزمون فرضیه‌های دوم تا پنجم پژوهش با استفاده از رگرسیون خطی تک‌متغیر آورده شده است. با توجه به مقدار آماره‌های F مربوط به مدل‌های مربوط به فرضیه‌های دوم، سوم و پنجم، مندرج در جدول ۳، در سطح کلیه شرکت‌ها که به ترتیب برابر با ۸/۱۹۵، ۸/۰۹۳ و ۱۵/۸۲۷ است، بیانگر معنادار بودن مدل‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. افزون بر این، مقدار آماره دوربین واتسون ارائه شده در جدول ۳ در سطح کلیه شرکت‌ها که به ترتیب برابر با ۲/۱۸۲، ۱/۹۳۱، ۱/۸۷۹ و ۱/۶۴۹ است، وجود خود همبستگی سریالی در اجزای اخلاص رگرسیون را نشان نمی‌دهد. طبق اطلاعات جدول مذکور، بین متغیرهای اندازه شرکت‌ها، سودآوری و اهرم با مربوط بودن اطلاعات مالی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. اما، رابطه بین متغیر نقدینگی و مربوط بودن اطلاعات مالی از لحاظ آماری معنادار نیست.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه‌های دوم تا پنجم پژوهش

آماره دوربین واتسن	R^2_{adj}	R^2	آماره F (سطح معناداری)	آماره t (سطح معناداری)	ضرائب	آماره t (سطح معناداری)	مقدار ثابت	
۲/۱۸۲	۰/۱۱۳	۰/۱۲۹	۸/۱۹۵ (۰/۰۰۰۵)	۵/۱۰۱ (۰/۰۰۰۵)	۴/۴۸۶	۹/۳۴۰ (۰/۰۰۰۵)	۱۰/۲۴۸	اندازه
۱/۹۳۱	۰/۱۷۳	۰/۱۷۸	۸/۰۹۳ (۰/۰۰۰۵)	۴/۷۱۸ (۰/۰۰۰۵)	۶/۳۱۹	۷/۸۳۳ (۰/۰۰۰۵)	۵/۶۱۱	سودآوری
۱/۸۷۹	۰/۰۰۹	۰/۰۱۸	۵/۴۹۲ (۰/۱۰۵)	-/۹۹۳ (۰/۱۰۵)	۱/۰۰۲	۱/۱۱۹ (۰/۰۶۸)	۱/۲۹۸	نقدینگی
۱/۶۴۹	۰/۲۱۲	۰/۲۱۶	۱۵/۸۲۷ (۰/۰۰۰۵)	۱۰/۲۷۸ (۰/۰۰۰۵)	۹/۸۹۳	۷/۴۹۷ (۰/۰۰۰۵)	۴/۸۳۹	اهرم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه ششم در جدول ۴ نشان داده شده است. با توجه به مقدار آماره F ، مندرج در جدول ۴ که برابر با ۲/۰۵۳ است، میزان مربوط بودن اطلاعات در شرکت‌های موجود در صنایع مختلف، یکسان نیست.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس برای آزمون فرضیه ششم

سطح معناداری	آماره F	میانگین مجموع مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۸	۲/۰۵۳	۲/۱۰۱×۱۰ ^{۱۱}	۱۴	۲/۹۴۳×۱۰ ^{۱۲}	بین گروه‌ها
		۱/۰۰۲×۱۰ ^{۱۱}	۵۶۷	۵/۶۸۷×۱۰ ^{۱۳}	درون گروه‌ها
		-	۵۸۱	۵/۹۸۱×۱۰ ^{۱۳}	کل

جدول ۵ نتایج آزمون توکی در خصوص تعیین محل تفاوت‌ها در بین صنایع مورد مطالعه را نشان می‌دهد. با توجه به پایین بودن آماره F این جدول، آزمون توکی شرکت‌های مورد مطالعه در صنایع مختلف را از نظر مربوط بودن اطلاعات مالی تنها در یک گروه همگن، طبقه‌بندی کرده است.

جدول ۵: نتایج آزمون توکی برای فرضیه ششم

نوع صنعت	فراوانی صنعت	زیر مجموعه‌های همگون (در سطح خطای ۵٪)
		۱
غذایی	۴۸	۴۱۸۳۹/۹۳۷
کشاورزی	۲۴	۴۲۱۸۷/۵۱۲
رایانه	۱۲	۴۶۷۲۱/۳۷۹
استخراج معادن	۳۰	۴۷۱۹۸/۰۷۹
کانی غیر فلزی	۱۰۸	۵۸۲۷۹/۴۷۹
ماشین‌آلات	۴۲	۵۹۲۱۸/۱۹۴
انتشار	۱۲	۶۱۸۹۳/۰۰۸
چوب	۱۸	۷۳۱۶۷/۲۸۱
رادیو	۶	۷۹۶۲۸/۲۴۹
مواد شیمیایی	۱۳۸	۸۸۳۷۸/۳۹۱
لاستیک	۲۴	۹۴۰۱۹/۴۹۲
محصولات فلزی	۲۴	۱۱۲۵۶۱/۷۲۶
فلزات اساسی	۱۸	۱۶۹۳۷۸/۸۸۲
نفتی	۱۸	۲۳۴۸۹۱/۱۴۲
خودرو	۶۰	۲۶۱۹۴۲/۷۸۲
سطح معناداری	-	۰/۰۸۵

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین ارزش‌های بازار و اعداد حسابداری در بازار بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال است که چه عواملی بر مربوط بودن اطلاعات مالی اثرگذار هستند؟ نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده آن است که از بین اطلاعات حسابداری، رابطه بین سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم با

قیمت سهام رابطه مثبت معناداری وجود دارد. اما، رابطه بین ارزش دفتری خالص دارایی‌ها و قیمت سهام از لحاظ آماری معنادار نیست.

اعداد حسابداری معمولاً زمانی مربوط تلقی می‌شوند که ضرائب رگرسیونی برآورد شده متفاوت از صفر باشد (هالتهاوسن و واتز، ۲۰۰۱). بنابراین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که اطلاعات مربوط به سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم برای تصمیم‌گیری از منظر سرمایه‌گذاران اطلاعات مربوطی تلقی می‌شود. این نتایج با شواهد موجود در پژوهش‌های بیسلند و همکاران (۲۰۱۰) و تیتیلایو (۲۰۱۱) مطابقت دارد. با این وجود، اطلاعات مربوط به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران اطلاعات مربوطی تلقی نمی‌شود. همچنین، شواهد پژوهش حاضر نشان داد که اطلاعات مربوط به سود تقسیمی هر سهم دارای محتوای اطلاعاتی بیش‌تری در مقایسه با سود هر سهم است. این نتیجه با شواهد پژوهش تیتیلایو (۲۰۱۱) همخوانی دارد، اما با پژوهش‌های بلوم و هوسیک (۱۹۷۳) و دیمسدال و پروزر (۱۹۹۴) در انگلیس و آمریکا که نشان دادند سود هر سهم به‌عنوان مبنای اصلی در قیمت‌گذاری سهام است، در تضاد می‌باشد.

سایر نتایج پژوهش حاضر نشان داد که برخی از ویژگی‌های شرکت‌ها مانند اندازه، سودآوری و اهرم نقش مؤثری در تعیین مربوط بودن اطلاعات مالی دارند. اما، رابطه بین نقدینگی شرکت‌ها و مربوط بودن اطلاعات آن‌ها از لحاظ آماری معنادار نبود. در خصوص رابطه بین اندازه شرکت‌ها و مربوط بودن اطلاعات آن‌ها گفتنی است که، معمولاً شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل کنترل بیش‌تر نهادهای کنترل‌کننده سعی بر آن دارند تا اطلاعات درست و مربوطی در زمینه تصمیم‌گیری‌های برای سرمایه‌گذاران ارائه کنند. همچنین، شرکت‌هایی که دارای وضعیت مطلوبی به لحاظ سودآوری هستند، سعی بر آن دارند تا با ارائه اطلاعات دقیق، به‌موقع و مربوط به سرمایه‌گذاران، این وضعیت مطلوب را نشان دهند. افزون بر این، شرکت‌هایی از میزان بدهی بیش‌تری در ساختار سرمایه خود استفاده می‌کنند به‌دلیل نظارت سازمان‌های وام‌دهنده (مانند بانک‌ها و دارندگان اوراق قرضه)، شرکت‌ها سعی بر آن دارند تا اطلاعات مربوط‌تری را ارائه کنند. همچنین، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که نوع صنعت عامل مؤثری بر میزان مربوط بودن اطلاعات مالی است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر این که اطلاعات مربوط به سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری اطلاعات مربوط است، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که هنگام تصمیم‌گیری این اطلاعات را مدنظر قرار دهند. همچنین، با توجه به این که اطلاعات سود تقسیمی هر سهم دارای محتوای اطلاعاتی بیش‌تری نسبت به سود هر سهم

است، به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود که هنگام سرمایه‌گذاری اطلاعات مرتبط با سود تقسیمی را بیش‌تر مدنظر قرار دهند. افزون بر این، به نهادهای تدوین‌کننده قوانین و مقررات مالی پیشنهاد می‌شود که قوانین دقیق‌تری در خصوص نحوه ارائه اطلاعات سود هر سهم و سود تقسیمی هر سهم وضع کنند. همچنین، با توجه به وجود رابطه مثبت بین برخی از ویژگی‌های شرکت‌ها مانند اندازه، سودآوری و اهرم، پیشنهاد می‌شود هنگام استفاده از اطلاعات شرکت‌ها این ویژگی‌ها مدنظر قرار گیرد.

منابع

- اعتمادی، ح.، باباجانی، ج.، آذر، ع. و دیانتی‌دیلمی، ز. (۱۳۸۸). "تأثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۱۵، ۵۹-۸۵.
- بحری‌نالت، ج.، بهنمون، ی. و حسین‌زاده، ق. (۱۳۹۲). "ویژگی‌های هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۶، ۵۱-۶۴.
- بهرامفر، ن. و رسولی، و. (۱۳۷۷). "ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مدیریت و نقش آن در تصمیم‌گیری مدیریت". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۴ و ۲۵، ۸۶-۱۰۹.
- خدای‌پور، ا. و محرومی، ر. (۱۳۹۱). "تأثیر افشای داوطلبانه بر مربوط بودن سود هر سهم". فصلنامه حسابداری مدیریت، ۱۴، ۱-۱۲.
- خدای‌پور، ا. و ترک‌زاده‌ماهانی، ع. (۱۳۹۰). "مالیات و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری". مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳، ۱۲۷-۱۴۵.
- رستمیان، ف.، خدائی‌وله‌زاده، م. و مجتبی‌حیدر (۱۳۹۰). "رابطه ویژگی‌های کیفیت سود و عملکرد". پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، سال سوم، ۱۲، ۷۹-۱۱۱.
- رضایی، غ. (۱۳۹۲). "بررسی اثرات بهبود کیفیت داده‌های مالی بر هزینه‌های نمایندگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- ستایش، م.ح.، رضایی، غ. و حسینی‌راد، س.د. (۱۳۹۳). "بررسی نقش ساختار مالکیت بر شیوه مدیریت وجوه نقد و موجودی‌های کالای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". مجله پیشرفت‌های حسابداری، زیر چاپ.

کردستانی، غ. و رودنشین، ح. (۱۳۸۵). ”بررسی میزان مربوط بودن اجزای نقدی و تعهدی سود حسابداری به ارزش بازار شرکت“. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۴۵، ۴۵-۶۸.

کردستانی، غ. و رودنشین، ح. (۱۳۸۵). ”بررسی میزان مربوط بودن اجزای نقدی و تعهدی سود حسابداری به ارزش بازار شرکت“. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۴۵، ۴۵-۶۸.

مهرانی، س.، فعال قیومی، ع. و مرادی، م. (۱۳۹۱). ”رابطه بین مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت نهادی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری“. *مجله دانش حسابداری*، ۱۱، ۳۱-۵۵.

نمازی، م. (۱۳۸۲). ”نقش پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی“. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۱، ۶۳-۸۷.

نمازی، م. و رضایی، غ. (۱۳۹۳). ”بررسی اثرات رقابت در بازار محصول بر سیاست تقسیم سود نقدی شرکت‌ها“. *مجله راهبرد مدیریت مالی*، زیر چاپ.

Abdullah, J.M. (1996). "The Timeliness of Bahraini Annual Report". *Advances in International Accounting*, 9 (1): 73-88.

Adedeji, S.B. and Kajola, S.O. (1998). *Cost Accounting: Concept, Analysis and Use for Decision Making*. CESAP, Ago-Iwoye.

Affleck-Graves, J., Callahan, C.M. and Chipalkatti, N. (2002). "Earnings Predictability, Information Asymmetry, and Market Liquidity". *Journal of Accounting Research*, 40 (3): 561-583.

Ahmed, K. (2003). "The Timeliness of Corporate Reporting: A Comparative Study of South Asia". *Advances in International Accounting*, 16 (1): 17-43.

Alali, F.A. and Foote, P.S. (2008). Earnings>Returns Association in an Emerging Market: An Empirical Analysis of Abu Dhabi Securities Market. California State University Fullerton Southeast AAA Conference April 3.

Alali, F.A. and Foote, P.S. (2012). "The Value Relevance of International Financial Reporting Standards: Empirical Evidence in an Emerging Market". *The International Journal of Accounting*, 47: 85-108.

Balachandran, S.V. and Mohanran, P.S. (2006). Conservatism and the Value Relevance of Accounting Information. *Working Paper (University of Columbia)*.

Ball, R. and Brown, P. (1968). "An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers". *Journal of Accounting Research*, 6 (2): 159-178.

Bao, B. and Chow, L. (1999). "The Usefulness of Earning and Book Value for Equity Valuation in Emerging Capital Markets: Evidence from Listed

- Companies in the People's Republic of China". *Journal of International Financial Management and Accounting*, 10 (2): 85-104.
- Beaver, W.H. (2002). "Perspectives on Recent Capital Market Research". *Accounting Review*, 77 (2): 453-474.
- Beisland, A.E. (2009). Essays on the Value Relevance of Accounting Information". Working Paper of Norwegian School of Economics and Business Administration.
- Beisland, L.A., Hamberg, M. and Novak, J. (2010). The Value Relevance Across Industries: What Happened to the New Economy? Available on at: http://www.fma.org/Prague/Papers/Value_Relevance_across_Industries.pdf, retrieved on 20 January, 2010.
- Benston, G.J. (1967). "Published Corporate Accounting Data and Stock Prices". *Journal of Accounting Research*, 5 (1): 22-54.
- Bernard, V. (1995). "The Feltham-Ohlson Framework: Implications for Empiricists". *Contemporary Accounting Research*, (Spring), 11 (2): 733-747.
- Carslaw, C.A. and Caplan, S.E. (1991). "An Empirical Examination of Audit Delay: Further Evidence from New Zealand". *Accounting and Business Research*, 22 (85): 21-32.
- Collins, D.W., Kothari, S.P. & Rayburn, J.D. (1987). "Firm Size and the Information Content of Prices with Respect to Earnings". *Journal of Accounting and Economics*, 9 (1): 111-138.
- Collins, D.W., Maydew, E.L. and Weiss, I.S. (1997). "Changes in the Value-Relevance of Earnings and Book Value Over the Past Forty Years". *Journal of Accounting and Economics*, 24 (1): 39-67.
- Dontoh, A., Radhakrishnan, S. and Ronen, J. (2001). Is stock Price a Good Measure for Assessing Value-Relevance of Earnings? An Empirical Test. Working Paper.
- Easton, P.E. and T.S. Harris (1991). "Earnings as an Explanatory Variable for Returns". *Journal of Accounting Research*, 29 (1): 19-36.
- Feltham, G. and Ohlson, J. (1995). "Valuation and Clean Surplus, Accounting for Operating and Financial Activities". *Contemporary Accounting Research*, 11 (2): 689-731.
- Francis, J. and Schipper, K. (1999). "Have Financial Statements Lost Their Relevance?". *Journal of Accounting Research*, 37 (2): 319-352.

- Freeman, R.N. (1987). "The Association between Accounting Earnings and Security Returns for Large and Small Firms". *Journal of Accounting & Economics*, 9: 195-228.
- Gjerde, O., Knivsfla, K. and Sættem, F. (2007). The Value-Relevance of Financial Reporting in Norway. Working Paper, available on at: www.iaabd.org/2009_iaabd_proceedings/track1b.pdf, retrieved on 15 December, 2010.
- Graham, R., King, R. and Bailes, J. (2000). "The Value Relevance of Accounting Information during a Financial Crisis: Thailand and the 1997 Decline in the Value of the Baht". *Journal of International Financial Management and Accounting*, 11 (2): 84-107.
- Holthausen, R.W. and Watts, R.L. (2001). "The Relevance of the Value-Relevance Literature for Financial Accounting Standard Setting". *Journal of Accounting & Economics*, 31 (3): 75.
- Imhoff, E.A. (2003). Accounting Quality, Auditing and Corporate Governance. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=374380>, Available online 2 March 2003.
- Jaggi, B. and Tsui, J. (1999). "Determinants of Audit Report Lag: Further Evidence from Hong Kong". *Accounting and Business Research*, 30 (1): 17-28.
- Kargin, S. (2013). "The Impact of IFRS on the Value Relevance of Accounting Information: Evidence from Turkish Firms". *International Journal of Economics and Finance*, 5: 71-80.
- Lang, M. and Lundholm, R. (1996). "Corporate Disclosure Policy and Analyze Behavior". *The Accounting Review*, 71 (4): 467-492.
- Lev, B. and Zarowin, P. (1999). "The Boundaries of Financial Reporting and How to Extend them". *Journal of Accounting Research*, 37 (2): 353-385.
- Meyer, C. (2007). Shareholder Value Accounting - the Value Relevance of Financial Statement Data and the Determinants of Accounting Method Choices. Available on at: <http://www.research.unizh.ch>, retrieved on 6 March, 2007.
- Namazi, M. and Khansalar, E. (2011). "An Investigation of the Income Smoothing Behavior of Growth and Value Firms (Case Study: Tehran Stock Exchange Market)". *International Business Research*, 4 (4): 84-93.

- Negah, M. (2008). "Liberalisation and the Value Relevance of Accrual Accounting Information: Evidence from the Johannesburg Securities Exchange". *Afro-Asian Journal of Finance and Accounting*, 1 (1): 81-104.
- Nilson, H. (2003). Essays on the Value Relevance of Financial Statement Information. Working Paper, Umea University.
- Ohlson, J.A. (1995). "Earnings, Book Values and Dividends in Security Valuation". *Contemporary Accounting Research*, 11 (1): 661-688.
- Owusu-Ansah, S. (2000). "Timeliness of Corporate Financial Reporting in Emerging Capital Markets: Empirical Evidence from the Zimbabwe Stock Exchange". *Accounting and Business Research*, 30 (3): 241-254.
- Pankoff, L.D. and Virgil, R.L. (1970). "Some Preliminary Findings from a Laboratory Experiment on the Usefulness of Financial Accounting Information to Security Analysts". *Journal of Accounting Research*, 8 (1): 1-48.
- Pincus, M. (1983). Information "Characteristics of Earnings Announcements and Stock Market Behaviour". *The Accounting Review*, 21 (1): 155-183.
- Ramesh, K. and Thiagarajan, R. (1995). Inter-temporal Decline in Earnings Response Coefficients. Working Paper, Northwestern University, Evanston, IL.
- Scott, W.R. (2003). Financial Accounting Theory. Prentice Hall, Toronto, 3rd Edition.
- Titilayo, O.D. (2011). Value-Relevance of Accounting Information in the Nigerian Stock Market. Ph.D. Dessertation, Covenant University.

